



دانشگاه باقر العلوم

پایان نامه کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی

عنوان:

تاثیر فلسفی ابن رشد بر ابن میمون و آکویناس

استاد راهنما:

حجت الاسلام دکتر حمید کثیری

استاد مشاور:

حجت الاسلام دکتر سید محمود موسوی

نگارنده:

عباس بخشنده بالی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

تقدیر و تشکر:

تدوین این رساله بدون یاری بسیاری از اساتید امکان پذیر نبود. بیش از همه سپاس فراوان خود را نثار دکتر حمید کثیری می کنم که رهنمودهای دقیق و استادانه ای ایراد فرمودند. همچنین قدردان زحمات استاد دکتر سید محمود موسوی که مشاوره ای این رساله را به عهده گرفتند، هستم. از تمام اساتید این دوره، بخصوص استاد دکتر گرجیان هم سپاسگذارم. همچنین از پدر و مادر عزیز و همسر گرامی ام نیز یاد می کنم که در طول سالیان تحصیل همواره پشتیبان و مشوق من بوده اند و در پایان برای حانیه عزیزم آینده ای درخشان در پرتو الطاف الهی آرزو می کنم.

والحمد لله اولاً و آخراً

چکیده:

یکی از مسائل مهمی که اندیشمندان ادیان مختلف به خود مشغول ساخته، چگونگی نگرش به منابع دینی است. به این صورت که آیا جایگاهی برای اندیشه و خرد ورزی در کنار شریعت وجود دارد و یا اینکه باید به همان مباحث عقلی داخل دین اکتفا کرد. این موضوع، باعث اختلافات فرق و مذاهب مختلف گردیده است. فیلون در حوزه یهودیت گامهایی در ارتباط عقل و دین برداشت، ولی در دوره امورائی و تنائی، اندیشه های ضد یونانی و عدم تلاش عقلانی برای اثبات مسائل دینی پدید آمد، تا اینکه در قرن دوازدهم جریانات اصلی اندیشه اسلامی، مکاتب ارسطویی و نوافلاطونی به طور پیوسته تاثیر عمیقی بر اندیشه یهود داشته که در اندیشه موسی بن میمون و غیره تجلی یافت در مسیحیت هم نظریات گوناگونی مطرح گردید که بخشی از آن در تعالیم آباء کلیسا به عنوان نص گرا، همچون آگوستین مشاهده می کنیم، تا اینکه با ظهور دومینیکن ها که ظهورش با آکویناس صورت پذیرفته عقل گرایی همراه با نص گرایی مطرح گردید. آنچه در دین اسلام مطرح گردید به طور اساسی با یکدیگر اختلاف داشت تا اینکه در باره تعامل عقل و دین بزرگانی همچون ابوعلی سینا، ابن رشد و... به ابراز نظر پرداخته و باگسترش فلسفه مشاء، مبانی عدم تعارض عقل و دین مورد توجه قرار گرفت. مساله ای که در این پژوهش مورد توجه قرار خواهد گرفت، آراء سه تن از اندیشمندان ادیان ابراهیمی است که در حوزه اندلس به نوآوری در تعامل عقل و دین پرداختند که عبارتند از: ابن رشد، ابن میمون و آکویناس. نکته قابل توجه دیگر، تاثیر فراوان اندیشمندانی نظیر ابن رشد بر تفکر فلسفی یهودیت و مسیحیت در حوزه اندلس می باشد که با انتقال متون مشاء و شروح وی بر آثار ارسطو، توجه آنها را به خردورزی در کنار دین محوری جلب کرد.

فهرست مطالب:

شماره صفحه

10.....مقدمه

فصل اول: کلیات

- 1-1: بیان مسأله.....13
- 1-2: اهمیت و ضرورت پژوهش.....14
- 1-3: سؤالات پژوهش.....14
- 1-4: تعریف واژگان.....15
- 1-4-1: فلسفه.....15
- 1-4-2: دین.....16
- 1-4-3: یهودیت.....18
- 1-4-4: مسیحیت.....20
- 1-4-5: اسلام.....24
- 1-4-6: اندلس.....25
- 1-5: پیشینه پژوهش.....27
- 1-6: روش و مراحل پژوهش.....28

فصل دوم: فلسفه و دین از دیدگاه ابن رشد

- 2-1 زندگی ابن رشد.....30
- 2-1-1: ولادت.....30

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام می باشد

- 2-1-2: تحصیلات..... 30
- 2-1-3: آشنایی ابن رشد با سلطان ابویعقوب..... 32
- 2-1-4: تبعید و وفات ابن رشد..... 34
- 2-1-5: آثار ابن رشد..... 36
- 2-1-5-1: شروع..... 37
- 2-1-5-2: تألیفات..... 39
- 2-2: ارتباط فلسفه و دین..... 40
- 2-2-1: پیشینه تاریخی موضوع..... 40
- 2-2-1-1: ارتباط دین و فلسفه..... 40
- 2-2-1-2: رویکردهای تفکیکی..... 42
- 2-2-1-2-1: خردگرایی افراطی..... 42
- 2-2-1-2-2: نص گرایی افراطی..... 42
- 2-2-1-2-2-1: اهل حدیث..... 43
- 2-2-1-2-2-1: اخباری گری..... 43
- 2-2-2: شارح و مفسر بزرگ آثار ارسطو..... 45
- 2-2-3: شریعت فلسفه را واجب می داند..... 47
- 2-2-4: فلسفه با دین هماهنگی دارد..... 51
- 2-2-5: اقسام مخاطبان دین..... 52
- 2-2-6: تأویلات دینی..... 54
- 2-2-7: ظاهر و باطن در دین..... 55
- 2-2-8: افرادی که مجاز در تأویل هستند..... 57
- 2-2-9: حدود تأویل..... 59
- 2-2-10: وحی متمم عقل..... 60
- 2-2-11: نمونه هایی از تاویل..... 61
- 2_2_11_1: علیّت..... 62

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام می باشد

- 63.....2_2_11_2: صفات خداوند
- 63.....2_2_11_2_1: علم
- 63.....2_2_11_2_2: جهت

فصل سوم: فلسفه و دین از دیدگاه ابن میمون

- 66.....3-1: زندگی ابن میمون
- 66.....3-1-1: ولادت
- 67.....3-1-2: سیر زندگی و تحصیلات
- 68.....3-1-3: آثار ابن میمون
- 69.....3-1-3-1: آثار فلسفی
- 69.....3-1-3-2: آثار دینی و فقهی
- 70.....3-2: ارتباط فلسفه و شریعت
- 70.....3-2-1: پیشینه تاریخی موضوع
- 73.....3-2-2: دیدگاه ابن میمون درباره رابطه فلسفه و دین
- 73.....3-2-2-1: خط قرمزهای خردورزی
- 73.....3-2-2-1-1: محدودیت اندیشه
- 74.....3-2-2-1-2: اختلاف در آراء بخصوص در مباحث الهیات
- 75.....3-2-2-1-2-1: دلایل اختلاف در مباحث الهیات
- 76.....3-2-2-1-2-2: نمونه‌ای دیگر
- 77.....3-2-2-2: هماهنگی فلسفه و شریعت
- 77.....3-2-2-2-1: افتتاح باب خردورزی
- 77.....3-2-2-2-2: کسب مقدمات برای تعقل در باب الهیات
- 79.....3-2-2-2-3: موانع آغاز آموزش فلسفه و الهیات
- 80.....3-2-2-2-4: تشویق دین به خردورزی

- 81.....3-2-2-2-5: تأویل، نقش مهم عقل در متون دینی.....
- 82.....3-2-2-2-5-1: نمونه‌هایی از تأویل.....
- 82.....الف: کرسی.....
- 82.....ب: جلوس.....
- 83.....ج: اسماء دیگر.....

فصل چهارم: فلسفه و دین از دیدگاه آکویناس

- 85.....4-1: زندگی و آثار.....
- 85.....4-1-1: ولادت.....
- 85.....4-1-2: سیر زندگی و تحصیلات.....
- 87.....4-1-2-1: مکتب تومیسیم.....
- 90.....4-1-3: آثار آکویناس.....
- 92.....4-2: ارتباط فلسفه و دین.....
- 92.....4-2-1: پیشینه تاریخی موضوع.....
- 97.....4-2-2: دیدگاه آکویناس.....
- 97.....4-2-2-1: شارح ارسطو.....
- 99.....4-2-2-2: ارتباط فلسفه و دین.....
- 99.....4-2-2-2-1: جایگاه عقل و دین.....
- 101.....4-2-2-2-2: نقش مهم عقل.....
- 102.....4-2-2-2-3: ضرورت وجود وحی و تعلیم مقدس.....
- 105.....4-2-2-2-4: هماهنگی فلسفه و شریعت.....
- 105.....4-2-2-2-4-1: مطالعه فلسفه برای راهبان.....
- 105.....4-2-2-2-4-2: فلسفه، خادم تعلیم مقدس.....
- 107.....4-2-2-2-4-3: خردورزی مقدس.....

فصل پنجم: تاثیر فلسفی ابن رشد در حوزه اندلس

111	مقدمه.....
111	5-1 تعامل عقل و دین از نگاه آن سه حکیم.....
113	5-2: ابن رشد در حوزه اندلس.....
113	5-2-1: عصر طلایی اسلام.....
115	5-2-2: نوآوری ابن رشد در حوزه اندیشه.....
115	5-2-2-1: ابن رشد و احیای آراء ارسطو.....
116	5-2-2-2: تفاوت تاثیر ابن رشد و ابن سینا بر تفکر غربی.....
117	5-3: سیر فلسفه ابن رشد به حوزه یهودیت.....
117	5-3-1: حفظ آثار ابن رشد توسط یهودیان.....
118	5-3-2: تاثیر فلسفی ابن رشد بر ابن میمون.....
120	5-4: تاثیر ابن رشد بر فضای مسیحیت بخصوص آکویناس.....
121	5-4-1: سیر ترجمه آثار ابن رشد به لاتین.....
122	5-4-1-1: مهم ترین مکان های ترجمه آثار ابن رشد در غرب.....
124	5-4-1-2: مهم ترین مترجمین آثار ابن رشد به لاتین.....
125	5-4-2: عکس العمل غرب نسبت به آثار ابن رشد.....
127	5-4-3: تاثیر فلسفی ابن رشد بر توماس آکویناس.....
127	5-4-3-1: آشنایی آکویناس با ابن رشد به واسطه آلبرت کیبر.....
129	5-4-3-2: ارتباط فلسفی آکویناس و ابن رشد.....
131	5-4-3-3: تامل آکویناس در مباحث فلسفی ابن رشد.....
138	نتیجه گیری.....
140	فهرست منابع.....

مقدمه:

با ظهور اسلام بار دیگر مشعل علم و دانش عالم بشری را روشنایی تازه ای بخشید. چراغ علم و دانش و معرفت با ندهای دینی که به تعلیم و تعلم دلالت دارند، روشن شد و ساکنان مشرق زمین که به مرکز این نور نزدیکتر بودند، بیش از دیگران بهره مند شدند و در مدت کوتاهی توانستند شالوده یک تمدن بزرگ را در پرتو تعالیم اسلام پی ریزی کنند.

تمدن اسلامی یا تمدن عرب، نامی است که به تمدن شرق قرون وسطی اطلاق می شود. بنیانگذاران این تمدن یعنی مسلمانان، فقط عربها نبوده، دیگر انسانهای آسیای نزدیک و پاره ای از ملل آفریقا نیز که مدتها قبل، از تمدن اروپائی جدا شده بودند به واسطه دین رسمی یعنی اسلام و زبان علمی و ادبی یعنی عربی با یکدیگر متحد شدند.

اروپا نیز در اثر برخورد با مسلمانان تا حد زیادی از برکات این تمدن استفاده کرد؛ چه این که تمدن، همچون امری مسری در نتیجه مجاورت و آمیزش از مردمی به مردم دیگر سرایت می کند. اروپائیان گر چه به طور وسیعی از تمدن اسلامی استفاده کردند اما از آن، کم تر قدردانی کرده اند. البته در طول تاریخ کسانی بوده اند که مسلمانان را مورد ستایش قرار داده و به مدیون بودن اروپا به جهان اسلام اعتراف کرده اند.

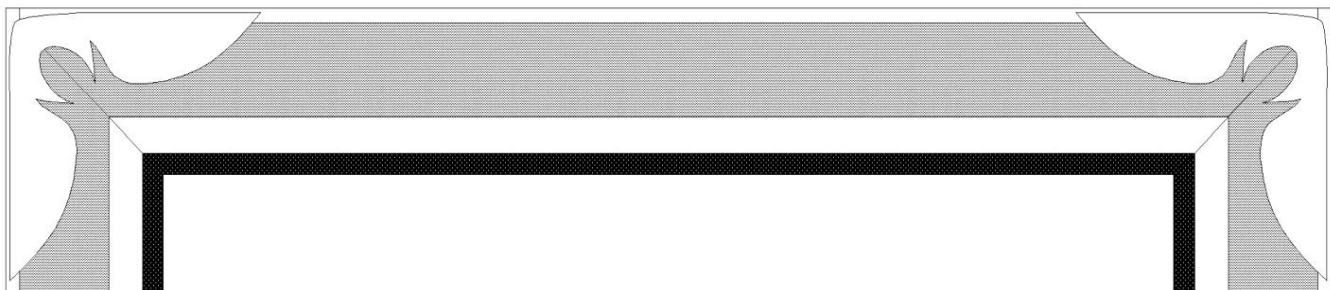
یکی از تمدن هایی که در طول تاریخ به وضوح در دید جهانیان قرار گرفته، تمدن اسلامی در حوزه اندلس (اسپانیای کنونی) است. پس از ورود مسلمانان به این حوزه، گامی بسیار سریعتر در دست یابی بشر به علم و دانش برداشته شد. در این میان، اندیشمندان اسلامی نقش بسیار مهمی ایفا کردند.

یکی از اندیشمندان اسلامی که در این حوزه به فعالیتهای علمی دست زده و مورد تحسین دیگران قرار گرفت، ابن رشد است. وی با تبعیت از تعالیم وحیانی اسلام توانست تعاملی میان دو منبع مهم عقل و دین

ایجاد کرده و با شروح خود بر آثار ارسطو، توجه غربیان را به خود جلب کند. پس از آنکه که غربیان به این مهم پی بردند، به فکر انتقال و آموختن این آثار افتادند که این مهم در حوزه یهودیت و مسیحیت اتفاق افتاد. دو تن از نامی ترین کسانی که به آثار ابن رشد دست یافتند، ابن میمون و آکویناس می باشند. ابن میمون یهودی توانست با زندگی در فضای اسلامی اندلس و مطالعه آثار ابن رشد، به تعامل عقل و دین رسیده که از آثار وی آشکار است. آکویناس هم به واسطه استاد خود یعنی آلبرت کبیر توانست به آثار فلاسفه مسلمان از جمله ابن رشد دست یافته و به معلومات بیشتری دست یابد. البته آکویناس در باره تعارض عقل و دین، راه خود را از ابن رشد جدا کرده و خرد ورزی را تعطیل می کند. بنابر اهمیت موضوعات نظیر این، مسلمانان باید تلاش کنند تا با گسترش و بسط علمی فضای مناسبی را برای شکوفایی تمدن اسلامی فراهم کنند.

آنچه در این پژوهش مورد توجه قرار خواهد گرفت، بررسی نقش هر یک از ابن رشد، ابن میمون و آکویناس در اسلام، یهودیت و مسیحیت است، البته با محوریت ابن رشد و تاثیر آن در حوزه اندلس. البته تاثیر ابن رشد از حوزه اندلس هم فراتر رفته و بسیاری از کشورهای اروپایی را در بر می گیرد. لذا در این پژوهش به وی بیشتر توجه شده است.

امید آنکه بتوان با مطرح کردن موضوعات جدید و مورد نیاز جامعه اسلامی، به کارنامه درخشان اسلام در تاریخ توجه کرده و گامی دیگر برای درخششی دیگر فراهم آید.



فصل اول : کلیات

1-1: بیان مسأله

یکی از مسائلی که روشنفکران هر یک از ادیان را به خود مشغول می‌کند، پرداختن به خردورزی در کنار دین‌مداری است. در این زمینه، اختلافات بنیادین در حوزه هر یک از ادیان ابراهیمی در طول تاریخ پدید آمده و هر یک از عقل و دین طرفدارانی را به خود مشغول کرده است.

بعضی از اندیشمندان یهودیت، مسیحیت و اسلام، سعی کردند تعادلی در این دو ایجاد کرده و رابطه هر یک از عقل و دین را به خوبی بیان کنند. در این میان، گرایش اصلی به سوی دین خودشان همراه با عقل‌گرایی ارسطویی است.

ابن‌رشد^۱، ابن‌میمون^۲ و آکویناس^۳ که به عنوان بزرگان دین اسلام، یهودیت و مسیحیت در قرون وسطی مطرح بودند، در این راه قدم گذاشته و منابعی در این باره بر جای گذاشتند که اهمیت تاریخی ویژه‌ای دارند.

با ظهور اسلام و گسترش آن در حوزه اندلس^۴، فراگیری علم و دانش و بخصوص علوم یونان در این حوزه با سرعت بیشتری ادامه می‌یابد و در مقابل، غرب در فضای ظلمت و هرج و مرج نسبی به سر می‌برد. ابن‌رشد در اندلس توانست علوم ارسطویی را در پی مکتب ابن‌سینا و بزرگان اسلامی فرا گرفته و شرح‌هایی بر آن بنگارد.^۵

قبل از اروپائیان، دانشمندان یهودی از جمله ابن‌میمون توانستند از علوم یونانی استفاده کرده و فلسفه ارسطویی را با کمک آثار و شروح ابن‌رشد ادامه دهند.

از آن به بعد، اروپائیان به فکر فراگیری فلسفه ارسطویی و انتقال آن به دانشگاه‌های خود می‌افتند که با ورود به حوزه اندلس و انتقال علوم به ویژه آثار ابن‌رشد، با استفاده از متفکران خود نظیر آلبرت کبیر^۶، شاگردش آکویناس و دیگران، تلفیقی از عقل‌گرایی و آموزه‌های مسیحی را فراهم آورده تا سرلوحه آموزه‌های فلسفی کلیسای کاتولیک برای قرن‌ها باشد.^۷

1.Averroes

2.Maimonides

3.Aquinas

4.Andaluc

5. ر.ک: حلبی، علی‌اصغر، تاریخ تمدن در اسلام، تهران، اساطیر، 1372، چاپ دوم، ص 51.

6.Albert the Great

7. پاپ لئوی سیزدهم در فراز 17 و 28 منشوری که در سال 1879م صادر کرد، به اهمیت تعالیم فلسفی آکویناس برای کلیسای کاتولیک اشاره کرد.

امید است که نقش ابن رشدِ مسلمان در انتقال مکتب ارسطوئی به فضای فکری یهودیت و مسیحیت، امری غیر قابل انکار است، که این کارنامه درخشان باید سرلوحهٔ فعالیت علمی مسلمانان در این عصر قرار بگیرد.

2-1: اهمیت و ضرورت پژوهش

یکی از نکات قابل توجهی که هر مکتبی برای دوام هویت خود باید انجام دهد، حفظ آثار و دستاوردهای بزرگان و پیشینیان آن مکتب است. به همین دلیل است که مسلمانان هم برای تجلیل از مآثر و مفاخر فرهنگی شان تلاش های فراوانی نمودند تا سنت فکری اسلامی را در طول قرون مختلف زنده نگه دارند. از این جهت، با مطالعه تاریخ تفکر اسلامی به راحتی در می یابیم که آنان در مدت طولانی از قرون وسطی دارای چنان عظمتی بودند که در جهان اندیشه، الگوی دیگران واقع شدند.

از جمله آن علوم، علوم فلسفی و عقلی است که در قرون وسطی به واسطه دانشمندان اسلامی همچون فارابی، ابن سینا و ابن رشد وارد فضای غرب مسیحی و یهودی شد. این رشته از علوم اسلامی و شیوه علمی دانشمندان مسلمان در این دو دین چنان اهمیتی از لحاظ علمی و تاریخ داشتند که مدتها نام مکتب «ابن رشدیان لاتینی»⁸ بر سر

8. Latinian Averroism

زبان‌ها بود. حتی بعضی این دیدگاه را مطرح کردند که یکی از عوامل پیشرفت غربیان در علوم و فنون و تجربه در رنسانس، ورود عقاید و فلسفه ابن‌رشد به آن حوزه است. به همین دلیل، ضروری است که مسلمانان جهان امروز به این مهم پرداخته و این انتقال را از حوزه اندلس به جهان و انتقال علوم و فنون مختلف را به خوبی مطرح کرده و تا به یاد تمدن و فرهنگ عظیم و کارنامه درخشان خود، عظمتی دیگر بیافرینند.

3-1: سوالات پژوهش

در این پژوهش در پی آن هستیم که به پاسخ سوالات ذیل دست یابیم:

آیا ابن‌رشد دیدگاه خاصی دربارهٔ هماهنگی هر یک از فلسفه و دین دارد؟

آیا ابن‌میمون در حوزه یهود به نوآوری در این زمینه دست یافت؟

دیدگاه آکویناس در زمینه عقل و دین چیست؟

آیا این سه متفکر، عقل و دین را متضاد می‌دانند؟

پیشینهٔ تاریخی رابطه عقل و دین در ادیان ابراهیمی چگونه بود؟

آیا عقل‌گرایی ارسطویی در ابن‌میمون و آکویناس از منبعی مشترک نشأت گرفت؟

ابن‌رشد چه تأثیری در حوزه اندلس در هماهنگی عقل و دین داشت؟

آیا آکویناس به طور مستقیم به آثار و شروح ابن‌رشد رسید؟

نقش آلبرت کبیر در این میان چه بود؟

ابن‌رشدیان چه گرایشی در غرب داشتند؟

4-1: تعریف واژگان

1-4-1: فلسفه

واژهٔ فلسفه^۹ از اولین بار در زمان سقراط (399-470 ق.م) استعمال شد. سوفستائیان نظریه نسبیت امور را پیشنهاد کرده و آنچه را که دارای اعتبار و ضروری و کلی بود را انکار می‌کردند. ولی سقراط متوجه این واقعیت شد که مفهوم کلی، به طور یکسان باقی مانده و فقط جزئیات تغییر می‌کنند.^{۱۰}

تاریخ‌نویسان فلسفه، علت‌گزینش این نام را دو چیز دانستند: یکی تواضع سقراط که همیشه به نادانی خود اعتراف می‌کرد، و دیگری تعریض به سوفستائیان که خود را حکیم می‌خواندند، یعنی با انتخاب این لقب می‌خواست به آنها

بفهماند که شما برای مقاصد مادی و سیاسی به بحث، مناظره و تعلیم و تعلم می‌پردازید و سزاوار نام «حکیم» نیستید و حتی من که با دلایل محکم پندارهای شما را رد می‌کنم خود را سزاوار این لقب نمی‌دانم و خود را فقط «دوستدار حکمت» می‌خوانم.^{۱۱}

لفظ فلسفه که ریشه یونانی دارد سابقاً به یک معنای عام گفته می‌شد که شامل جمیع معلومات نظری و عملی بود و تقریباً با لفظ علم مرادف بود. لکن اخیراً از زمانی که در پاره‌ای از علوم، اسلوب برهان و قیاس عقلی جای خود را به اسلوب تجربه داد، در اصطلاح اندیشمندان لفظ علم و فلسفه هر یک به معنای جداگانه به کار می‌روند.^{۱۲}

فلسفه، مساوی با فلسفه اولی یا متافیزیک^{۱۳}، و موضوع آن، «موجود مطلق» (نه مطلق موجود) است و به همین دلیل، این‌گونه تعریف می‌شود: علمی که از احوال موجود مطلق بحث می‌کند؛ یا علمی که از احوال کلی وجود گفتگو می‌کند؛ یا مجموعه قضایا و مسائلی که پیرامون موجود بماهو موجود مطرح می‌شود.^{۱۴}

چنانکه از تعریف فوق برداشت می‌شود، موضوع فلسفه موجود بما هو موجود است؛ یعنی موضوع آن مقید به هیچ یک از حیثیت‌های تقییدیه نیست. موجود جسمانی یا موجود کمی و کیفی، مقید به یکی از حیثیت‌های تقییدیه

9. Philosophy

2. کاپلستون، فردریک، تاریخ فلسفه یونان و روم، ج 1، ترجمه: جلال الدین مجتبی، تهران، سروش، 1368، چاپ دوم، ص 125.
3. ر.ک: آدو، پی یر، فلسفه باستانی چیست؟، ترجمه: عباس باقری، تهران، علم، 1382، صص 49-51.
4. طباطبایی، محمد حسین، اصول فلسفه و روش رئالیسم، ج 1، مقدمه و پاورقی: مرتضی مطهری، قم، صدرا، ص 5.

13. Metaphisic

2. طباطبایی، محمد حسین، نه‌ایه الحکمه، قم، موسسه النشر الاسلامی، 1416 هـ الطبعه الثانی عشر، ص 5.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

شده و صلاحیت اینکه موضوع فلسفه باشند را ندارند، بلکه می توانند موضوع طبیعیات، ریاضیات و یا علوم جزئی دیگر باشند.^{۱۵}

موضوع فلسفه به این دلیل موجود بما هو موجود است که اولاً می تواند محور تمام مسائلی باشد که در فلسفه بحث می شوند و ثانیاً، نیاز به تعریف و اثبات ندارند.^{۱۶}

از یک نظر می توان ویژگی های فلسفه را این گونه بیان کرد:

1. روش اثبات مسائل آن، روش تعقلی است.
2. فلسفه متکفل اثبات مبادی تصدیقی سایر علوم است و لذا «مادر علوم» نامیده می شود.
3. در فلسفه، معیار بازشناسی امور حقیقی از امور وهمی و اعتباری به دست می آید.
4. ویژگی دیگر این است که از راه حس و تجربه به دست نمی آیند.^{۱۷}

2-4-1: دین

کلمه دین^{۱۸} در لغت به معنی اطاعت و فرمانبرداری آمده است. در کتابهای لغت چنین آمده است:

الف. «الذال و الیاء و النون اصل واحدٌ الیه یرجع فروعه کلها و هو جش من

الانقیاد و الذل. فالدین الطاعه».^{۱۹}

ب. «والدین یقال للطاعه و الجزاء و استعیر للشریعه، و الدین کامله، لکنه یقال

اعتباراً للطاعه و الانقیاد للشریعه».^{۲۰}

واژه دین در اصطلاح به مفاهیمی تعریف شده که در برخی مواقع با یکدیگر اختلاف دارند؛ به عنوان نمونه به دو

تعریف اشاره می شود:

3. صدرالمتلهین، شواهد الربوبیه، تصحیح: مصطفی محقق داماد، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدر، 1382، ص 20.

4. همان، صص 20-21.

5. ر.ک: مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش فلسفه، ج 1، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، 1370، چاپ چهارم، ص 91.

18.religion

7. ابن فارس، معجم مقاییس الغه، ج 2، بیروت، دارالجیل، 1990م، ص 319؛

ترجمه: «ذال و یاء و نون و فروع آن به معنی اطاعت و فرمانبرداری است. بنابراین دین به معنی اطاعت کردن می آید».

1. شیخ عاطف الدین، تفسیر مفردات الفاظ القرآن الکریم، بیروت، الشرکه العالمیه للکتاب، 1414هـ الطبعه الثالثه، ص 329؛

ترجمه: «دین بر اطاعت و جزا اطلاق می شود و به صورت استعاره در دین به کار می رود، مانند کلمه ملت است، اما به اطاعت و

فرمانبرداری در شریعت به صورت مجازی اطلاق می شود.»

الف. «... انه نحو سلوك في الحياه الدنيا يتضمن صلاح الدنيا بما يوافق الكمال الاخرى و الحياه الدائمه الحقيقيه عندالله سبحانه فلا بد في الشريعه من قوانين تتعرض لحال المعاش عن قدر الاحتياج.»²¹

ب: «الدين (على العموم) اتجاء المرء عقلياً و انفعالياً (فكراً و عاطفه) نحوالله سبحانه و تعالى و الارتباط به (بمفهوم الثقه و الحب و الايمان) ارتباطاً يؤكد علاقه الخالق بالمخلوق و تبعيه له دون سواه.»²²

ج: «دين به معنای خاص آن، مجموعه ای از هست ها و باید های مستند به خداوند است که از طریق وحی و سنت معصومین(ع) برای هدایت و کمال انسانها ظهور یافته است.»²³

در مجموع می توان با توجه به تعاریف مختلف به این نتیجه رسید که در بعضی مواقع این تعریف، آیین های غیر توحیدی مانند بودیسم و غیره را در برمی گیرد که در آنها اعتقادات و حیانی هم مطرح نیست. در بعضی دیگر از مواقع،

2. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ج2، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1362 هـ ص 130؛

ترجمه: «دین یک روش رفتاری در زندگی مادی است که صلاح دنیا را موافق با کمال و سعادت اخروی و زندگی دائمی واقعی نزد خداوند را در بردارد، لذا قوانینی در دین باید باشد که به مقدار نیاز وی متعرض زندگی دنیوی انسان باشد.»

3. الملّا، احمد علی، عالمیه الاسلام، ص30، نقل از علیزاده، بیوک، فلسفه اسلام، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، 1371، ص81؛

ترجمه: «دین به معنی توجه کامل انسان از جهت عقلی، عاطفی و عملی به جانب خداوند می باشد و این که با او مرتبط باشد. (به معنی ایمان، اعتماد و محبت نسبت به او) چنان ارتباطی که ارتباط خالق و مخلوق را محکم کرده و این که فقط از او پیروی کند.»

4. جعفری، محمد تقی، فلسفه دین، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، 1375، ص16.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام می باشد

شامل دین یا مذهب خاصی می شود و ادیان و مذاهب توحیدی دیگر را از زیر مجموعه خود خارج می سازد، برای یافتن تعاریف بیشتر، می توان به کتابهایی نظیر **مبانی فلسفه دین** ها، **دائرة المعارف** ها و غیره مراجعه کرد. در مورد چگونگی تعریف و تعیین هدف و قلمرو دین توسط خود دین سه نظر وجود دارد:

نظر نخست: دین به طور مشخص خود را تعریف نموده است و محدوده های هدایت و رسالت خود را به نحوی فهرست وار ، کلی و کلاسیک بیان نموده است.

نظر دوم: دین گرچه از خود تعریف ارائه داده است، اما در صدد حدّ و رسم منطقی نبوده است و قلمروها و اهداف خویش را نیز به صورت جزء به جزء و کلاسیک تنظیم ننموده است.

نظر سوم: دین گرچه در مقام تحدید تام و کامل همه محدوده های خود نبوده است، با این حال در مواقعی به صورت جزء به جزء بعضی از قلمروهای هدایت خود را معرفی نموده است و گاه نیز بدون معرفی برخی از مواضع

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام می باشد

به عنوان قلمرو خود، سخن های جدی و اساسی بیان کرده است. با رجوع به متون دینی می توان از میان آرای گذشته، رأی سوم را مقرون به صواب دانست.^{۲۴}

3-4-1: یهودیت

در خلال قرن چهاردهم پیش از میلاد مسیح بود که رهبر بزرگی به نام حضرت موسی (ع) در میان عبرانیان ظهور نموده و نظام دینی را که امروز به نام یهود^{۲۵} خوانده می شود، بنا نهاد.^{۲۶} یهودیان کتاب آسمانی خود را «تنخ»^{۲۷} می نامند که همان عهد عتیق مسیحیان است. نامی که مسیحیان در مقابل عهد جدید خود به کتاب یهودیان داده اند.

رونوشت های اولیه عهد عتیق، از زمان موسی (ع) (1450 ق.م) تا ملاکی (400 ق.م) بر روی چرم یا پاپیروس نوشته گردیده اند. تا زمان کشف مهیج کتیبه های بحر المیت در سال 1947 میلادی، قدیمی ترین رونوشتی که از عهد عتیق در اختیار داشتیم، متعلق به سال 895 میلادی بود.^{۲۸}

تنخ، 39 کتاب دارد که ترجمه های مسیحی آن، از نظر موضوع به سه بخش تقسمی می شود:

1. بخش تاریخی که مشتمل بر 17 کتاب است که 5 کتاب اول آن «تورات» نام دارد.
2. حکمت، مناجات و شعر که مشتمل بر 5 کتاب است.
3. پیشگویی های انبیا که 17 کتاب را شامل می شود و مشتمل بر هشدارها و تهدیداتی است پیرامون سرنوشتی که بر اثر نافرمانی خدا در انتظار بنی اسرائیل بود.

معروف است که این مجموعه در واقع به زبان عبری نوشته شده و بعدها به زبان یونانی ترجمه شده است. این متن ترجمه شده، در قرن سوم قبل از میلاد صورت گرفته و از آنجا که مترجمان آن هفتاد نفر بودند، این نسخه به «سبعینیه»^{۲۹} یا هفتادین معروف است.^{۳۰}

همه ادیان پس از اندک زمانی فرقه های متعدد پیدا می کنند. فرقه های شناخته شده یهود پس از بازگشت از بابل پدید آمده اند. فرقه های شناخته شده این دین عبارتند از:

1. فریسیان؛ کلمه فریسی در عبری به معنای عزلت طلب است. این فرقه در قرون دوم میلادی پدید آمدند و تاکنون هم اکثریت یهود از آن هستند. آنها علاوه بر عهد عتیق که تورات مکتوب نامیده می شود، به تورات شفاهی هم معتقدند.
2. صدوقیان؛ نام این فرقه به صادق بن اخیطوب که از حضرت داوود (ع) به کهنات منصوب شده بود، مربوط می شود. صدوقیان به جای نماز، برای قربانی اهمیت ویژه ای قائل بودند. آنها سنت های گذشته را حفظ کردند و با

1. ر.ک: همان، صص 45-47.

25.Jewish

3. بوش، ریچارد و همکاران، جهان مذهبی، ج 2، ترجمه: عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1374، صص 574-

575.

4. حرف «ت» به تورات، حرف «ن» به انبیا و حرف «خ» به مکتوبات اشاره دارند.

5. محمدیان، بهرام و همکاران، دائره المعارف کتاب مقدس، تهران، سرخدار، 1381، ص 6.

29.Septuagint

30.Cohn,Sherbok,Dan,Aconcise,Encyclopedia of Judaism,New York University Press,2004,P306.

تجدیدنظر و «تفسیر به رأی» فریسیان و آداب و عادات آنان مخالفت می‌ورزیدند. آنها همانند فریسیان با حضرت مسیح (ع) مخالفت ورزیدند.

3. سامریان؛ این فرقه بسیار کوچک و رو به انقراض تنها پنج سفر تورات را می‌پذیرد و 34 کتاب دیگر عهد عتیق را رد می‌کند.

4. اِسِنیان؛ این گروه حدود دو قرن پیش از میلاد به وجود آمدند. به عقیده برخی از دانشمندان، افکار این فرقه که معلومات بالایی داشتند، زیربنای مسیحیت فعلی گردید.

5. قارئون؛ از کلمه «قرأ» در عربی و عبری می‌آید که در مقابل تفسیرهای تکلف‌آمیز فریسیان، به قرائت کتب آسمانی اشاره دارد. این فرقه که پس از ظهور اسلام پدید آمده است، با «تلمود» مخالفت می‌کند و بر معنای ظاهری تورات تعصب می‌ورزد و همواره با فریسیان درگیری داشته است.³¹

در دین یهود به «ده فرمان» اشاره شده که باید مورد توجه قرارگیرد، که عبارتند از:

1. برای خود خدایی جز من نگیرید.

2. به بت سجده نکنید.

3. نام خدا را به باطل نبرید.

4. شنبه را گرامی بدارید.

5. پدر و مادر را نیکی کنید.

6. مرتکب قتل نشوید.

7. زنا نکنید.

8. دزدی نکنید.

9. بر همسایه شهادت دروغ ندهید.

10. به اموال و ناموس همسایه طمع نورزید.³²

آنچه در این پژوهش به دنبال آن هستیم، نه اطلاعات عمومی دین یهود (خاستگاه، تحول و وضعیت کنونی)، بلکه سنت یهودی است که از طریق ابن میمون در آن دین توسعه یافت، آن هم نه مجرد تحول این سنت در درون خود، بلکه در پی آن هستیم تا چگونگی تعامل آن سنت را با اندیشمندان اسلامی بیان کنیم.

3. مشکور، محمد جواد، خلاصه ادیان در تاریخ دینهای بزرگ، تهران، انتشارات شرق، 1377، چاپ ششم، صص 136-137.

1. خروج، 20.

4-4-1: مسیحیت

دین مسیحیت^{۳۳} در چارچوب دین یهودیت قرن اول میلادی بوجود آمد. اولین پیروان حضرت مسیح (ع) از یهودیانی تشکیل می شد که اعمال و آداب یهودی را به طور کامل انجام می دادند. عیسی (ع) به سه نام عیسی، مسیح و یسوع شهرت یافته است. لفظ مسیح هم از کلمه عبری ماشیح به مفهوم تدهین شده اخذ شده است. اصول آموزه های وی بر خلاف شریعت موسی (ع) روحانی بود و از اقدام سیاسی علیه حکومت ممانعت می کرد.^{۳۴} عیسی (ع) تقریباً در سی سالگی رسالت خود را آغاز کرد.^{۳۵} عیسی (ع) در مدت 3 سال رسالت، شاگردانی را به گرد خود جمع کرده بود که به 70 نفر بالغ می شدند. در این میان، 12 نفر از جایگاه ویژه ای برخوردار بودند. عیسی (ع) شاگردان منتخب خود را رسول نامیده است. رسولان عیسی (ع) بر اساس نقل انجیل لوقا عبارتند از: شمعون که او را پطرس^{۳۶} نام نهاد، برادرش اندریاس^{۳۷}، یعقوب^{۳۸}، یوحنا^{۳۹}، فیلیپس^{۴۰}، برتولما^{۴۱}، متی^{۴۲}، توما^{۴۳}، یعقوب بن حلفی^{۴۴}، شمعون^{۴۵} معروف به غیور، یهوذا^{۴۶} برادر یعقوب و یهوای اسخریوطی.^{۴۷}

33.Christianity

1. مشکور، محمد جواد، پیشین، ص 154؛ زیبایی نژاد، محمد، در آمدی بر تاریخ و کلام مسیحیت، قم، معارف، 1375، صص 18-19.
2. لوقا، 23:3.

36.Petter(Pierre)

37.Ander-Andrew

38.Jacob

39.Jean

40.Philip

41.Bartholmew

42.Mathew

43.Thomas

44.Jacob

45.Semeon

46.Juda

14. لوقا 13:6؛ اعمال رسولان 13:1؛ متی 10: 2-4؛ مرقس 3: 16-19.

کتاب مقدس مسیحیان دو بخش دارد: عهد جدید و عهد عتیق. آنها قائل هستند که خدا دو عهد و پیمان با انسان ها بسته است:

یکی همان عهد شریعتی است که با انبیای قدیم و قوم اسرائیل بسته و دیگری عهدی است که درباره ایمان به مسیح است. آنان کتاب عهد یهودیان را عهد عتیق و بخش ویژه خود را عهد جدید می نامند.^{۴۸}

مجموع کتاب‌های عهد عتیق و جدید، 66 کتاب است؛ عهد عتیق 39 کتاب دارد و عهد جدید شامل 27 کتاب است که به چهار بخش اناجیل، اعمال رسولان، نامه‌های رسولان و مکاشفه تقسیم می شود.

اکثر قریب به اتفاق مسیحیان جهان در یکی از سه شاخه مهم مسیحیت: کاتولیک^{۴۹}، ارتدوکس^{۵۰} و پروتستان^{۵۱} جای می گیرند. ویژگی اصلی کاتولیک‌ها آن است که معتقد به ریاست پاپ بر تمام جامعه مسیحیت و همچنین معتقد به مصونیت وی از خطا هستند. به علاوه، آنها اعتقاد به مصوبات مجامع کلیسایی کاتولیک را لازم می شمارند. آنان معتقدند که مسیح، پطرس را بر تمام کلیسای مسیحیت رهبر قرار داده و کلید ملکوت آسمان را به وی سپرده است.^{۵۲} فرقه بعدی، ارتدوکس است. این فرقه قریب هزار سال پیش پدید آمده و از نظر عقیدتی با فرقه کاتولیک اختلاف چندانی ندارد. آنها رهبری واحد را قبول ندارند و می گویند اسقف رم (پاپ) می تواند یکی از چند رهبر دینی باشد. آنها برخلاف کاتولیک‌ها معتقدند که روح القدس تنها از خدای پدر صادر شده است، ولی کاتولیک‌ها، آن را صادر از خدای پدر و هم خدای پسر می دانند.^{۵۳}

فرقه سوم مسیحیت، پروتستان^{۵۴} نام دارد که حدود پانصد سال تا کنون فرقه‌های پروتستان زیادی به وجود آمده است. آنها به رهبری متمرکز عقیده ندارند و برای روحانیت مسیحی ارزش چندانی قائل نیستند. آنها بسیاری از

48. Jacobs, Louis, The Jewish Religion, Oxford University Press, 1995, P50.

49. Catholic Church

50. Orthodox Church

51. Protestantism

5. مشکور، محمد جواد، پیشین، صص 179-182؛ زیبایی نژاد، محمدرضا، مسیحیت شناسی مقایسه‌ای، تهران، سروش، 1382، ص

242.

6. مشکور، محمد جواد، پیشین، صص 180؛ توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ، تهران، طه، 1384، چاپ هفتم، صص 191-192.

7. واژه ای فرانسوی و به معنی « معترض » است.

اعتقادات فرقه‌های دیگر را رد می‌کند و نوعی مسیحیت پیراسته را پذیرفته و بسیاری از اعتقادات غیر عقلانی مانند تثلیث را حفظ کرده‌اند.^{۵۵}

در مسیحیت به هفت آیین مقدس^{۵۶} که شامل تعمید^{۵۷}، تأیید^{۵۸}، ازدواج مسیحی^{۵۹}، دستگذاری^{۶۰}، اعتراف^{۶۱}، تدهین نهایی^{۶۲} و عشای ربانی^{۶۳} می‌شود، معتقدند که در برخی موارد، اختلافاتی میان فرق آن وجود دارد.

اسقفان و نمایندگان کلیسا، گردهمایی‌های رسمی را برای بررسی مسائل مربوط به ایمان و عمل تشکیل می‌دهند که از سراسر جهان در آن شرکت می‌کنند. آخرین شورای جهانی کلیسا «شورای واتیکانی دوم» بود که به دعوت پاپ ژان بیست و سوم تشکیل شد که از سال 1962 تا 1965 میلادی ادامه داشت.^{۶۴}

از دیدگاه اسلام، آموزه‌های فعلی در مسیحیت و یهود، دچار تحریف اساسی گردیده و بعضی آموزه‌های غیر الهی از جمله تثلیث، فدا و غیره وارد آن شدند.^{۶۵}

در این پژوهش در پی آن هستیم که در باره سنت فلسفی آکویناس که عقل‌گرایی را در تعالیم مقدس دخالت داده سخن گفته و در کنار آن از تعامل فلسفی سنت مسیحیت و دانشمندان اسلامی (ابن رشد) بحث کنیم. بنا بر این مساله اصلی اطلاعات عمومی دین مسیح نبوده بلکه تمرکز ما در سنت فلسفی و تعامل با اسلام است.

5-4-1: اسلام

اسلام یکی از ادیان توحیدی ابراهیمی^{۶۶} به شمار می‌رود که در قرن ششم میلادی در شبه جزیره عربستان به واسطه پیامبر بزرگوار اسلام حضرت محمد (ص) از جانب خداوند وحی شد.

قرآن مجید که کتاب آسمانی مسلمانان است برخلاف کتب ادیان قبلی، دچار تحریف نگردیده و به طور مداوم بر خاتمیت و حفظ آموزه‌های آن دلالت دارد. جهان‌بینی که در کلام وحی مطرح می‌شود، جهان‌بینی توحیدی است، به این معنا که انسان باید در ارتباط با جهان طبیعت، جوامع و حتی خودش، بینش الهی داشته باشد.

دین مبین اسلام، هر یک از ادیان یهودیت و مسیحیت را صاحب وحی و از ادیان توحیدی شمرده و از حضرت موسی (ع) و حضرت عیسی (ع) به نیکی یاد می‌کند، ولی آن را دستخوش تحریف‌های فراوان می‌داند.^{۶۷} و به همین دلیل و دلایل دیگر، پیروان آن ادیان را به دین خاتم دعوت می‌کند.

یکی از نکاتی که دین اسلام به آن اشاره می‌کند، پیوند دین و حکومت است که با ذکر قضایای واقعی انبیاء و نکات وحیانی دیگر، مسلمانان را به آن دعوت می‌کند. حکومت حاکم در اسلام باید بر طبق آموزه‌های وحیانی شکل گرفته و نوعی واسطه برای تشویق مردم به دین محوری باشد.

مسأله مهم دیگر، تشویق این دین، به تعقل و خردورزی و آموختن است. در آیات و روایات فراوان، مسلمانان را به تعلیم و تعلم تشویق می کند و حتی در بعضی مواقع، آن را از عبادت هم والاتر می داند. اسلام انتظار دارد که فرد

1. توفیقی، حسین، پیشین، ص 192.

56.Sacrement

3. بنا بر انجیل متی (28: 19) آمده است که حضرت عیسی (ع) به حواریون دستور غسل تعمید را داد.
4. این آیین به منظور تکمیل تعمید یک فرد مسیحی به کار می رود.
5. آنها ازدواج را امر الهی می دانند. روحانیون کاتولیک و ارتدوکس نباید ازدواج کنند و برای مبارزه با میل جنسی باید به روزه و دعا روی آورند.
6. به درجات اصلی طبقه روحانیت همچون اسقف، کشیش، شماس و غیره گفته می شود.
7. به آیین توبه اطلاق می شود.
8. به این صورت که بدن فرد مریض را باروغنی خاص آغشته کرده تا اگر وفات نمود، برای برزخ آماده باشند.
9. به هدف نمایش گذاشتن نوعی فهم و درک گروهی برای بیان عشق و محبت بین مسیحیان و بین ایشان و خداوند انجام می شود.
10. ر.ک: ویور، مرچی جو، درآمدی به مسیحیت، ترجمه: حسن فنبری، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، 1381، ص 198؛ توفیقی، حسین، پیشین، ص 194.
11. ر.ک: آل عمران، 78؛ نساء، 46؛ مائده، 13؛ بقره، 79، ...

66.Abrahamic Religions

2. ر.ک: توبه، 30؛ آل عمران، 181؛ مائده، 64؛ مائده، 17، 73، ...

مسلمان، فردی متفکر و دین محور باشد و با دو بال علم و ایمان به پرواز در آمده و جامه عمل به آموخته‌های خود بپوشاند.

در دین مبین اسلام هم فرقه‌های متفاوتی از دو فرقه اصلی تشیع و تسنن پدید آمده که ریشه آن در حوادث تاریخی و بعضی از برداشتهای دینی یافت می‌شود که ذکر آنها به طول می‌انجامد.

هدف ما در این پژوهش مسائل متفرقه اسلام نبوده، بلکه بیان این نکته است که در بخشی از تاریخ اسلام، دانشمندانی نظیر ابن رشد بودند که با تفسیرهایی که بر آثار متعدد ارسطو نوشتند، مورد پیروی و مطالعه اندیشمندان یهودیت و مسیحیت واقع شده که در این پژوهش به تعامل میان وی، ابن میمون و آکویناس اشاره می‌شود.

6-4-1: اندلس

اندلس و یا اسپانیای⁶⁸ کنونی واقع در جنوب غربی قاره اروپا بالغ بر 85 درصد شبه جزیره ایبریا⁶⁹ را به خود اختصاص داده است. اسپانیا توسط رشته کوههای پیرنه⁷⁰ و دوک نشین کوچک آندورا⁷¹ از فرانسه جدا می‌شود.⁷²

آب و هوای معتدل، زمینهای حاصلخیز، 17 رودخانه مهم، معادن فراوان، کوهها و قله‌های مرتفع، محصولات کشاورزی فراوان، صادرات و غیره امتیازاتی است که این کشور را مورد توجه تمدنهای گوناگون در خلال اعصار قرار داده است. اندلس، یکی از کشورهایی بود که تحولات زیادی را در خود دیده است که به خلاصه‌ای از آن اشاره می‌شود.

سکنه قدیم این کشور از قوم سلت⁷³ بوده که از فرانسه وارد آنجا شدند و تا مدت‌ها رومیان در آنجا حکومت می‌کردند.⁷⁴ در اواخر قرن چهارم میلادی، گوتهای باختری یعنی ویزیگوتها⁷⁵ به رهبری آلاریک⁷⁶ توانستند بر سرزمینهای بخش غربی امپراتوری روم استیلا یابند. آنها که مسیحیان آرین کیش بودند، به تدریج حوزه حکومت خو

68.Spain

69.Iberian Peninsula

70.Pyrenees Mountains

71.Principality of Andorra

5. اسلامی‌زاد، حمید، اسپانیا، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، 1375، ص 1.

73.Seltes

7. آیتی، محمد ابراهیم، اندلس، تهران، دانشگاه تهران، 1376، چاپ چهارم، ص 9.

75.Wisigoths

76.Alaric

را از دورترین بلندی‌های فرانسه مرکزی تا منتهی‌الیه جنوبی اسپانیا وسعت بخشیدند و شهرهای اسپانیا را هم فتح کنند. اسپانیا در زمان حکومت گوتها از آرامش و رفاه، بهره چندانی نیافت؛ چونکه اروپای وقت در هرج و مرج به سر می‌برد.^{۷۷}

در آوریل یا مه سال 711 م نخستین گروه عمده مسلمین به جنوب اسپانیا وارد شدند و اندلس را در بهترین وضع یافتند. این امر در زمانی اتفاق افتاد که آفریقا در فتوحات مسلمین به دست موسی بن نصیر لخمی اداره می‌شد و سلطنت اسپانیا با رودریک^{۷۸} بود. موسی در جواب بعضی از بزرگان آن منطقه افسر جوان متهور و صبوری به نام طریف را برای کشفیات و تحصیل اطلاعات مقدماتی به سواحل جنوبی فرستاد که گزارشهای مساعدی ارجاع شده و با جنگ میان آنها در 711 میلادی موسی وارد اندلس گردید و شهرهای زیادی را فتح کرد. چند سال بعد از این، پرتقال^{۷۹} فتح شد.^{۸۰}

حکومت اسلامی طی زمان‌های مختلف گرایشهای «المرابطون» و «الموحدون» را به خود دید که موسس نهضت موحدون فردی به نام ابن تومرت^{۸۱} معروف است. آخرین دوره اسپانیای اسلامی با پیشرفت نهضت مسیحیان برای باز پس گرفتن سرزمینهای خود در ایام قشتالی ها صورت گرفت که ابن نصر به سوی غرناطه عقب‌نشینی کرد.^{۸۲} سپاه عظیمی به فرماندهی دون بیدرو، غرناطه را محاصره کرد و بالاخره در سال 1492 م آخرین بازماندگان مسلمان از جنوب اسپانیا خارج شدند و این کشور به دژ مقدم و محکم کاتولیک در غرب اروپا تبدیل شد.^{۸۳} آنگاه پرچم ویرانگر با حکومت تفتیش عقائد به اهتزاز در آمد و از آن پس ظلمتی انبوه حکم فرما گردید. کار به جایی رسید که بزرگان در سرزمینی که علوم آن در همه جا پرتو افکنده بود، از مرز جهل و نادانی قدم فراتر نگذاشته و حتی علوم، صنایع، مراکز علمی و مدارس آن را در هم کوبیدند تا با زوال آن، اسلام را از میان بر دارند.^{۸۴}

10. ر.ک: مونس، حسین، سپیده دم اندلس، ترجمه: حمیدرضا شیخی، مشهد، آستان قدس رضوی، 1373، صص 21-45.

78.Roderic

79.Portugal

2. مختارالعبادی، احمد، فی التاریخ العباسی و الاندلس، بیروت، دارالنهضة العربیه، ص 259؛ آیتی، محمد ابراهیم، پیشین، صص 10-

15.

3. «تومرت» شکل تصغیری «عمر» است.

4. وات، موننگمری، اسپانیای اسلامی، ترجمه: محمد علی طالقانی، تهران، یلدا، 1371، چاپ دوم، ص 174.

5. ر.ک: رائف، احمد، خاطره سقوط اندلس، ترجمه: محمدرضا انصاری، تهران، امیرکبیر، 1370، ص 55.

6. عنان، محمد عبدالله، صحنه های تکان دهنده در تاریخ اسلام، ترجمه: علی دوانی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1367، چاپ

ششم، ص 347.

حکومت مسلمانان در اندلس مانند حکومت روم تقریباً 700 تا 800 سال به طول انجامید. اگر ترکان تحت حاکمیت صلاح الدین در ناحیه طرابلس و شناسایی خلافت بغداد به وسیله مرابطون را مستثنا بدانیم، ویژگی مهم سیاسی اسلام حاکم بر مغرب زمین در این دوره را می توان حیات مستقل این حاکمیت بدون هیچ وابستگی به سایر نقاط جهان اسلام دانست. در عین حال، این ویژگی نمی تواند مانع ارتباط فرهنگی بین شرق و غرب باشد.^{۸۵}

فتح اندلس به دست مسلمانان برکات فراوانی برای مردم آن منطقه و حتی دیگر ملل به ارمغان آورد که قسمتی از آنها عبارتند از:

1. از میان رفتن حقوق و اختیارات طبقات ممتاز، روحانیان مسیحی، اشراف و آزاد گشتن طبقه رنجیده غلامان که مانند چهارپایان با آنها رفتار می شد.
 2. لغو شدن عوارض و باجهای سنگین که پیشه، هنر، حرفه و فنون را از میان برده و طبقه متوسط را پریشان کرده بود.
 3. برقراری اصول مالیاتی معین بر اساس عدل و مساوات.
 4. بسته شدن قراردادهایی میان مسلمین و بسیاری از شهرهای اسپانیا در ایام حمله و جنگ که عرب ها پس از فتح هم آنها را کاملاً محترم می شمردند.
 5. آزادی عیسویان که تاکنون مورد تعقیب و اذیت بودند.
 6. روشن شدن مشعل مدنیت و دانش در اسپانیا به دست مسلمانان در زمانی که اروپا اسیر جهل و نادانی و گرفتار جنگ و جدال بود.^{۸۶}
 7. مساله مهم دیگر، تحول شگرف در پرورش دانشمندی نظیر ابن رشد بود که در عقل گرایی مغرب زمین تاثیر قابل توجهی داشت.
- در مجموع، هدف از بیان این شرح از تاریخ اندلس، بیان به قدرت رسیدن مسلمانان در اندلس بوده است که موجب شکوفایی و تأثیرات گوناگونی در آن حوزه و اروپا گردیده که جهان را مجذوب خود کرد.^{۸۷}

7. میکل، آندره. لوران، هانری، اسلام و تمدن اسلامی، ج 1، ترجمه: حسن فروغی، تهران، سمت، 1381، ص 301.

1. آیت، محمد ابراهیم، پیشین، صص 17-18.

2. ارسلان، شکیب، تاریخ فتوحات مسلمانان در اروپا، ترجمه: علی دوانی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1370، چاپ پنجم،

ص 31؛ زیدان، جرجی، تاریخ تمدن اسلام، ج 1، ترجمه: علی جواهرالکلام، تهران، امیرکبیر، 1333، ص 95.

5-1: پیشینه پژوهش

موضوع تعامل فلسفی یهودیت، مسیحیت و اسلام در حوزه اندلس که نظر هر یک از ابن رشد، ابن میمون، و آکویناس را به طور مستقل بررسی کند، در هیچ منبع مستقلی مشاهده نگردیده، ولی در بعضی از منابع فلسفی به این موضوع به صورت پراکنده اشاره شده است؛ به عنوان نمونه، درباره هر یک از این سه دانشمند و هماهنگی عقل و دین از نگاه آنها، مباحثی مطرح شده که قریب به اتفاق آنها در قسمت منابع پژوهش مورد ارجاع قرار گرفتند.

6-1: روش و مراحل پژوهش

یکی از عوامل موفقیت تحقیق، انتخاب روشی مناسب با موضوع تحقیق می باشد. از یک نظر، سه نوع روش تحقیق وجود دارد:

الف. تحقیق بنیادی، که به کشف ماهیت اشیاء، پدیده‌ها و روابط بین متغیرها، اصول، قوانین ساخت و غیره پرداخته و موجب گسترش مرزهای دانش می گردد.

ب. تحقیق کاربردی، تحقیقی است که با استفاده از نتایج تحقیقات بنیادی در یک زمینه با هدف خاص بتواند به طور مستقیم و غیرمستقیم مورد استفاده اعضای جامعه قرار بگیرد.

ج. تحقیق نظری، به تحقیقی که صرفاً در مرحله نظریه بوده و از روشهای استدلال و تحقیق عقلانی استفاده نموده و بر پایه کتابخانه استوار است.

با توجه به موضوع این نگارش، روش آن نظری بوده و از منابع کتابخانه‌ای موجود استفاده می شود.

در مرحله اول به مطالعه منابع عربی، فارسی و لاتین در زمینه ابن رشد، ابن میمون و آکویناس پرداخته و از نکات مورد نیاز، فیش برداری دقیق به عمل آمد. پس از آن، از ارتباط فلسفی این سه دانشمند به صورت تاریخی - فلسفی، مطالب مورد نیاز تهیه گردید و با مشاوره مورد نیاز، مطالب گردآوری شد. پس از تجزیه و تحلیل مطالب گردآوری و ترتیب فصول پژوهش صورت گرفته و پس از غلط گیری تایپ گردید.

در فصل دوم پژوهش، ارتباط فلسفه و دین از دیدگاه ابن رشد مورد بررسی قرار گرفته و پس از آن در فصول سوم و چهارم، به ارتباط فلسفه و دین از دیدگاه ابن میمون و آکویناس اشاره می شود. در فصل پنجم تاثیر فلسفی ابن رشد در حوزه اندلس مورد بررسی قرار می گیرد.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام می باشد

در این زمینه تا آنجا که در توان بود، منابع اصیل این سه تن و منابع دیگر که در کتابخانه‌ها موجود بود، ملاحظه گردید تا تحقیقی موثر در این زمینه فراهم گردد.